

گفتار گو با آکیرا کورساکوا

برت کاردوئو

ترجمہی آرمان صالحی



فهرست

پیش‌گفتار/۷

رویدادنگاری/۲۰

معرفی کارگردان برحسته زاپسی/ری فالک/۱۹۵۲/۲۵

یک گزارش شخصی: من و کورساوا/دوئالد ریچی/۱۹۶۰/۲۹

مصاحبه با آکیرا کورساوا/مجله سیمما/۱۹۶۳/۴۸

آکیرا کورساوا: مصاحبه/یوشی شیرائی/۱۹۷۲/۵۷

گفتگو با آکیرا کورساوا/حوان ملن/۱۹۷۵/۷۳

سلحشور بارمی گردد/دان یاکیر/۱۹۸۰/۸۹

داستان‌های توکیو: گفتگو با کورساوا/توسی رایبر/۱۹۸۱/۱۰۱

پرونده: قاب‌های کورساوا/لیلین رأس/۱۹۸۱/۱۱۴

کورساوا یک شاه لیر سیمایی می‌سازد/پیتتر گریلی/۱۹۸۵/۱۵۴

کورساوا: هم‌شیمی با امپراتور/حان پاورز/۱۹۸۶/۱۶۳

فیلم‌ساختن برای همه‌ی مردم: گفتگو با آکیرا کورساوا/کی اوکو هیرانو/۱۹۸۶/۱۷۴

گفتگو: کورساوا و گارسیا مارکر/گابریل گارسیا مارکر/۱۹۹۱/۱۸۲

یک مصاحبه با آکیرا کورساوا/کاواموتو سابورو/۱۹۹۱/۱۹۱

آکیرا کورساوا/خودی استون/۱۹۹۱/۲۰۰

من فقط یک سارنده‌ی فیلم هستم: ملاقات با استاد سیمما/برت کاردولو/۱۹۹۲/۲۱۰

امپراتور سیمما - به، هوز به/فرد مارشال/۱۹۹۳/۲۳۲

فیلم‌شناسی/۲۴۰

معرفی کارگردان برجسته ژاپنی

ری فالک^۱/۱۹۵۲

کارگردان راشامون آدمی است که احاره نمی دهد ضعف هبری کارمندانش مانع کار او شود و اگر این حمله به نظر شما انعکاس ناله و شکایت یک هرمد برادوی^۲ علیه هالیوود از آن سوی اقیانوس آرام است، درست برداشت کرده اید

آکیرا کورساوا اگرچه بر این حقیقت واقف است که درباره ی هالیوود به قول خود من «نمی توان بیار نه یک رویکرد علمی در تولیدات استودیویی را مکرر شد» اما داتاً یک هرمد است نه سحتی می توان کورساوا را وادار کرد که صحت کسد وقتی که نه او می گویم فیلم مطرح و مورد استقبال قرار گرفته اش در عرصه بین المللی یعنی راشامون را نه عنوان نخستین فیلم ژاپنی پس از جنگ، در سالن کوچک کاربگی در نیویورک اکران کرده اند، این اظهارنظر را بی چون و چرا می پذیرد و هیچ نظر یا واکش خاصی نشان نمی دهد

ناوحداین او آماده است تا بی پرده درباره معاصرین ژاپنی خود سخن گوید «کارگردان های ما اهداف کوچکی را در نظر دارند در نتیجه دستاوردهای کوچکی برای کشورمان داشته اند ما باید به سراع موضوعات بزرگ سرویم و از شکست بهراسیم کارگردان های ژاپنی حرأت و حسارت کافی را ندارند و صرفاً ار یکدیگر تقلید می کسد آن ها ایده های بکر و برجسته ی ریادی در سر ندارند و ار این وضعیت

1 Ray Falk

2. Broadway

راضی هستند و احساس شرمساری نمی‌کند این رویکرد از حالت سطوح بالای مدیریتی حمایت می‌شود زیرا آن‌ها از دستاوردهای بون و پیشرفت می‌ترسند»

ناورها

منتقدین محلی آثار او را «بیرومند اما حش، ناپخته و ناقص» نامیده‌اند و نه نظر می‌رسد او آماده است این انتقاد را به‌سادگی قبول کند آقای کورساوا ناور دارد با مرگ سیمای صامت و گسترش و پیشرفت تکسی کالر، فیلم‌ها بسیار پیچیده‌تر شده‌اند او احساس می‌کند که انرا ریانگری هری ناید ساده‌تر باشد وقتی از او می‌پرسیم آیا منظور او این است که داستان‌هایی که در فیلم‌ها روایت می‌شوند نه‌حای اینکه یک خط داستانی اصلی را دنبال کند چندین داستان کوچک را پی می‌گیرد، او پاسخ می‌دهد که بحثی از ماحرا همین‌طور است بیان دقیق آنچه در ده‌ده دارد از طریق یک مترجم برای او بسیار دشوار است ممکن است او چند مثال آورد تا شاید بحث روشن‌تر شود؟ خوب نه نظر او «همه‌چیز درباره حوی» فیلم بسیار پیچیده‌ای است آیا می‌تواند یک مثال آمریکایی ببرد؟ لحظه‌ای می‌اندیشد و بعد پاسخ می‌دهد «نمی‌توانم یک فیلم آمریکایی پیدا کنم که از تکنیک ساده‌سازی استفاده کرده باشد اما اریطر مس روبرتو روسلیسی^۱ در ایتالیا مدام سعی می‌کند به این ساده‌سازی نزدیک شود»

کورساوا بیر شخصاً از این تکنیک در راشامون و فیلم «در حگل» استفاده کرده است دو اثری که به‌طور کامل خارج از استودیو فیلم‌برداری شده‌اند او می‌گوید که ژاپنی‌ها منظور او را متوجه شده‌اند و از اینکه می‌باید عربی‌ها توانسته‌اند هدف او را درک کنند بسیار خوشحال است آقای کورساوا به همراه شیوبو هاشیموتو فیلم‌نامه را بر اساس رمایی از ریوبوسوکه آکوتاگاواای فقید، نوشتند پرسش اصلی این است آیا حقیقتی در میان است؟ آیا ده‌ده اسان می‌تواند این حقیقت را درک نماید؟ اگر حقیقتی وجود دارد آیا خودپرستی اسان مانع درک آن نمی‌شود؟

از این مطر بویسنده‌ی رمان و بویسندگان فیلم‌نامه به‌ویژه کورساوا اتفاق نظر دارند مؤلف رمان از ما می‌خواهد که بیک سرشتی اسان را به‌عنوان راه‌حل یک مساله

عامص بپذیریم او ملتسانه از ما می‌خواهد که نه بیکی ایمان آوریم اما کورساوا از این هم فراتر می‌رود و در پایان فیلم برای تأکید بیشتر بر این حقیقت، صحنه‌ای را به داستان اضافه می‌کند که هیرم‌شکن‌ها کودک یتیم را به فرزند قبول می‌کند صحنه‌ای که در رمان وجود ندارد

کورساوا در خانه‌ی بزرگ اعیانی خود روی کف‌پوش‌های محملی سراق و گران قیمت سالن اصلی، حلوی یک مقل رعال نشسته است و از آستین دراز کیموبوی سیاه‌رنگش یک سیگار برگ درمی‌آورد و نا رعال بیم‌سوحته درون مقل آن را روشن می‌کند جای سر در فحان‌های سفالی ریخته می‌شود و درحالی‌که مشعول بوشیدن چای هستیم درخت کریسمس را می‌بیم که بیش‌ارحد ترین شده و در گوشه‌ای از اتاق قرار گرفته است آقای کورساوا چهل‌ویک سال دارد و برای اینکه یک ژاپنی باشد بیش‌ارحد بلندقامت است

او در سراسر دوران کاریش یک یاعی یا یک آفریننده حلاق بوده است او براساس انله داستایوفسکی یک فیلم ساحت در مرحله تدوین بهایی، رمان فیلم بیش از سه ساعت بود کمپانی شوچیکو^۱ اصرار داشت که فیلم کوتاه شود و نه رمان استاندارد فیلم‌های عادی برسد اما کارگردان فیلم ناور داشت که اگر فیلم را سلاخی کند آن موقع عنوان اثر تنها، برارنده سازندگان آن خواهد بود و مردم هم چیری از آن نخواهد فهمید دربهات مدیران پیرو شدند و کورساوا، شوچیکو را ترک کرد

در سال ۱۹۴۸ ژاپن او را به خاطر فیلم طعه‌آمیر یک یککشه شگفت‌آور به‌عنوان برترین کارگردان سال انتخاب کرد آقای کورساوا، مرد فقیری را ترسیم می‌کند که عاشق می‌شود این دو دل‌داده‌ی بی‌پول آرووی تماشای یک سمفونی را در سردارند دربهات آن‌ها در سالن حالی می‌نشید اما حتی حضور در سالن حالی سب نمی‌شود که شادکامی درویی آن‌ها از حوش و حروش نارماند آن‌ها ترم موسیقی رینا را حتی در آن سالن سرد و حالی می‌شوند

گذشته و آینده

فرشته مست یکی از بهترین آثار سیمایی دوران کاری او است برحی از